



گزیده‌ای از گفتار حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری در ضرورت پرداختن به پدیده بازی‌های رایانه‌ای از نگاه فقه و فقها

در جست‌وجوی حکم بازی‌های رایانه‌ای در فقه و فتوا

اشاره

حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری از مبارزان قبل از انقلاب و فعالان فرهنگی در حوزه و دانشگاه است که تجربه فعالیت فرهنگی در خارج از کشور را هم در کارنامه خود دارد. نگاه مبنایی به پدیده بازی‌های رایانه از منظر فقه و فقها از دغدغه‌های این کارشناس مذهبی و فرهنگی است. آن چه پیش رو قرار دارد، گزیده‌هایی از طرح مسأله‌ها و دغدغه‌هایی است که در گفت و شنود پویا با حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری درباره بازی‌ها مطرح شده و می‌تواند دریچه‌ای برای ورود به این پدیده از زاویه فقه و فتوا و ایجاد انگیزه و دغدغه‌ای برای طلاب و دانش‌پژوهان این رشته باشد.

نیاز به تعریف فضای مجازی

اگر قبول کنیم که هر پدیده نو فرهنگ و ادبیات نویی را تبلیغ می‌کند و بعضاً به فرهنگ مهاجم تبدیل می‌شود، برخورد ما با پدیده فضای مجازی باید چگونه باشد؟ طبیعتاً قبل از طرح این پرسش، باید فضای مجازی را تعریف کنیم. اگر از نظر جامعه‌شناسی بخواهیم تعریف کنیم، فضا را در بخش جامعه‌شناسی بیاوریم چنان چه بخواهیم یک فصل مفصل بیاوریم

طبیعتاً روند تکامل بحث ارتباطات را باید بیاوریم تا برسیم به فضایی که در واقع آن ارتباطات را تسهیل کند؛ یعنی به نوعی دارد جامعه را از فردگرایی به جمع‌گرایی هدایت می‌کند. این اولین سؤال بود که یعنی تأثیر این پدیده و اثرات ماندگار آن در یک جامعه و به عنوان یک چالش برای یک اندیشه‌ای که انفعالی است مثل اندیشه ما یا جامعه ما یا جوامعی مثل جوامع ما که تقریباً صورت منفعل دارد با این قضیه چگونه باید برخورد کند.

آیا در برابر بازی‌ها منفعل هستیم؟

نکته دوم این که گرچه یک بخش فضای مجازی به کارکردهای سیاسی برمی‌گردد، یعنی هیچ نظام سیاسی امروز مستغنی از فضای مجازی در شرایط فعلی نیست، از باب مدیریت اجتماعی حتی مدیریت سیاسی در بحث دموکراسی در بحث انتخابات یا فرض کنیم در حوزه اقتصاد در حوزه آموزش بحث دارد که تقریباً یک بحث این است که ضرورت مستقلاً دارد و باید جداگانه از آن بحث شود؛ بحث دوم هم بحث سرگرمی‌هاست که در بخش دوم می‌شود بحث کرد. بحث ما به بحث سرگرمی‌ها برمی‌گردد؛ و گرچه در بحث قبلی خودش یک بحث گسترده‌ای دارد. به هر جهت اگر بخواهیم که فضای مجازی را تعریف کنیم و آن را به دو بخش تقسیم نماییم، یک بخش کارکرد سیاست و خدمات و بخش دوم سرگرمی‌هاست که بحث ما روی بحث سرگرمی‌هاست. یعنی می‌خواهیم ببینیم سرگرمی‌هایی که امروزه با گسترش ارتباطات برای انسان پیش آمده، آیا پدیده‌ای است که برای ما جایگاه غیرفعال داشته باشد و ما نسبت به آن اختیاری نداشته باشیم و جایگاه آن را چگونه می‌شود مدیریت کرد؛ چه مدیریت در بخش

حوزه سیاست که می‌خواهد این را مدیریت کند، فیلترینگ کند، چه این که بخواهیم جامعه را با حرام و حلال مدیریت کنیم. یعنی چه حوزه الزامات سیاسی چه حوزه اقدامات فقهی. بنابراین نکته اول این است که این پدیده وارد زندگی ما می‌شود و ما منفعل هستیم که با آن چه کار کنیم؛ یعنی فضا در این حوزه بسیار محدود نه در حوزه نامحدود. سؤال دوم این است که در صورت بهره‌گیری از این پدیده نو چه تمهیدات و الزاماتی از وظایف دولت و کدام بحث از وظایف مردم و روحانیت است؛ بحث به این گستردگی، یعنی وظایف دولت در بحث ما نمی‌آید و ما به دنبال نگاه فقهی به آن هستیم.

نسبت بازی‌ها به صغریات احکام شرعی چیست؟

ما نمی‌خواهیم برای نظام آموزشی هنجار تعریف کنیم؛ بلکه می‌خواهیم ببینیم وضعیت موقعیت و مکان و در واقع نسبت این صغریات با احکام شرعی چه چیزی می‌تواند باشد. شما وقتی بتوانید محتوایی را در یک کارکرد مشخص و به قیمت بهینه‌ای به مردم بدهید، رغبت بیش‌تری پیدا می‌کنند؛ حتی ممکن است شما بتوانید یک خوراک بد را در یک خدمات خوب قالب کنی؛ کما این که این طور می‌شود. ولی در بحث کارکردی فعلاً با آن بحث کار نداریم. ما دنبال این بحث هستیم که در واقع الان فرزند شما دارد بازی می‌کند؛ با بازی آینده اش را به چه شکلی و به چه سویی داریم هدایت می‌کنیم؟ آیا این هدایت می‌تواند متناسب با تعریف‌های اداری ما تحت موضوعات و اطلاعات درآید؟ فرض کنیم اگر در اسلام تیراندازی داریم، اسلام شما را می‌آورد در این قالب به این بازی می‌پردازد، می‌خواهد یک نتیجه غایی بگیرد. بالاخره هر فنی این غایت بر آن مترتب است. الان هم وارد اشتغال به این نوع بازی‌ها و این کارها می‌شویم. در واقع آن غایتی که می‌تواند ما را هدایت کند کجاست؟ می‌توانیم آن غایت‌ها را در قالب حلال و حرام کنترل کنیم یا

از کنترل ما خارج است یعنی از کنترل دین خارج است. تقریباً دین هیچ تسلطی بر آن ندارد؛ چرا؟ چون مثلاً یک دیدگاه می‌گوید شما نمی‌توانید در تکنولوژی انتخاب داشته باشید بلکه آن را می‌فروشند؛ چرا که شما نمی‌توانید بگویید این قلم را می‌خواهم و آن قلم را نمی‌خواهم. این اقلام جداکردنی نیست. این در واقع با خود یک پدیده است؛ این پدیده می‌آید تمام بدن و وجود شما را تصرف می‌کند.

آیا پرداختن به فلسفه بازی‌ها یا فلسفه فناوری ضرورت دارد؟

ما می‌خواهیم ببینیم منظور از سرگرمی و خطری که در فضای مجازی جامعه را تهدید می‌کند چیست. با توجه به ورود انسان به عرصه جدید آیا نیازی به فلسفه‌های مضاف مثل فلسفه تکنولوژی یا فلسفه بازی‌ها داریم؟ ما در واقع دنبال این نکات هستیم. ببینیم چگونه است اولاً فضای مجازی را در حد محدودی تعریف می‌کنیم. برای یک خواننده‌ای که می‌آید، بگوییم تعریف فضای مجازی است؛ البته به عنوان یک اصل کبروی، بعد صغریات فضای مجازی را تعریف می‌کنیم که می‌تواند مباحث کارکرد سیاسی باشد. از جمله صغریاتی که در فضای مجازی وجود دارد، بازی‌هاست؛ چه آنلاین



چه غیرمستقیم. امروز خود شما در خانه نشسته‌ای، شب می‌توانی در تمام بازی‌هایی که در روی کره زمین انجام می‌شود از خانه‌تان وارد شوید و در آن‌ها مشارکت کنید؛ چنان که الان بچه‌ها دارند این کار را می‌کنند.

پس ما دنبال یک صغری هستیم نه کل صغریات فضای مجازی؛ یکی از صغریات فضای مجازی بازی‌های کامپیوتری است؛ چه مستقیم چه غیرمستقیم. فرض کنید یک جوان آمریکایی که اشتغال به بازی‌ها دارد، ممکن است عبادات در زندگی او مفهومی نداشته باشد ولی در جامعه ما به دلیل سنتی بودن می‌تواند سرگرمی‌های متنوع دیگری داشته باشد. اولاً چه تعریف مشخصی از آن داریم ثانیاً در مستقیم و غیرمستقیم آن چه ویژگی‌هایی وجود دارد؟

کم و بیش می‌دانیم این بازی‌ها قبلاً در کارتون‌هایی که تلویزیون ما پخش می‌کرد یا تلویزیون‌های دنیا قبلاً پخش می‌کردند؛ این کارتونها محتوای لازم را می‌توانستند به جواب‌های پایین دست خود منتقل کنند. امروزه آن‌ها رفته و تلویزیون جایگاه خودش را در این فضا از دست داده

است. ویژگی این‌ها چیست؟ آیا اهداف بازی‌ها، انتقال مفاهیم است که بحث محتوایی می‌شود؟ آیا آن‌ها می‌خواهند یک مفهومی را به جوامع جهان سوم منتقل کنیم مثل مفهوم آزادی دموکراسی لائیک؛ مفهومی مثل سکولاریسم، مفهوم نسبیت در اخلاق؟ آیا این مفاهیم را می‌خواهیم منتقل کنیم؟

آیا نیازمند روشی نو در استنباط احکام بازی‌ها هستیم؟

نکته بعدی، روش‌شناسی در انتقال این مفاهیم چگونه است؟ گویی در قالب تصویر متحرک یعنی بهترین شکل آن چگونه است که آیا آن‌ها می‌تواند باعث تعارض چالش شود در ارتباط یک مفهوم شرعی و بحث بعدی این است که اثر جامعه‌شناسی چگونه است. یعنی هنگامی که افراد به صورت تک‌تک بازی‌ها را انجام دادند، وقتی جمع شدند برآیند جمع آن‌ها چه می‌شود؟ در بازی‌های آنلاین افراد همان موقع مثلاً یک بازی فوتبال می‌بینند هیجان‌آشنان آنی و مشترک است. ممکن است یک میلیارد نفر بنشینند و یک بازی فوتبال را نگاه کنند می‌توانیم پیش‌بینی کنیم یک میلیارد نفر بازی آنلاین را مشترکاً نگاه کنند. این اجتماع گسترده پراکنده

سرمایه‌داری یک مسأله مستحذته است؛ چون تولید انبوهی که الان صورت می‌گیرد، با تولیدی که در سابق صورت می‌گرفته فرق کرده است. مثلاً در سابق و در یک کارگاه اگر شما یک کارگاه قالیبافی را در گذشته نگاه می‌کنی ده تا قالی می‌بافت؛ اما امروزه در آمریکا یا در اروپا کارخانه دارد تولید می‌کند. این بحث سابقه‌ای در اسلام ندارد؛ و لذا قائل به مسائل مستحذته است. شما می‌توانید ده‌ها مسأله مستحذته را پیدا کنید. این بحث که پیش می‌آید، ما با آن چگونه برخورد کنیم و روش‌شناسی آن به چه شکل است؟ در بحث ولایت فقیه، امام رحمه‌الله علیه قائل است که تمام شؤن فقهی ائمه علیهم‌السلام به فقیه منتقل می‌شود. یعنی ما وقتی این مباحث را می‌خواهیم چالشی بحث کنیم روش استنباط ما چگونه است؛ یعنی این‌ها را بیابیم تحت عنوان اطلاقات اختیار ولایت فقیه قرار دهیم یا تحت عنوان اطلاقات منطقه الفراغ قرار دهیم؛ به این شکل بیان کنیم بگوییم که مسأله مستحذته است، ما خودمان به عنوان یک کارشناس بررسی می‌کنیم، فردی به عنوان یک کارشناس و متخصص این فن کارشناسی می‌کند، بعد کارشناس به فقیه می‌دهد شما می‌نویسی که

از جمله صغریاتی که در فضای مجازی وجود دارد، بازی‌هاست؛ چه آنلاین چه غیرمستقیم. امروز خود شما در خانه نشسته‌ای، شب می‌توانی در تمام بازی‌هایی که در روی کره زمین انجام می‌شود از خانه تان وارد شوید و در آن‌ها مشارکت کنید؛ چنان‌که الان بچه‌ها دارند این کار را می‌کنند.



این کار صحیح و بی‌اشکال است. در واقع وقتی می‌گوییم منطقه‌الفراغ، این بحث از توان فقیه خارج می‌شود و دست شما و کارشناس می‌افتد. این خیلی بحث مهمی است؛ یعنی در بحث روش‌شناسی و در بحث روش استنباط چگونه است؟

آیا بازی رایانه‌ای یک مسأله مستحذته است؟

ما می‌خواهیم مخاطب را قانع کنیم که اگر وارد این قضیه شد، یک نوع اعتیاد پیدا می‌کند و دیگر نجات از آن وجود ندارد. یعنی به هر جهت شما می‌خواهی در مقابل این بازی‌ها ریسک بکنی همه چیز را بگویی. مثلاً الان نسبت به مواد مخدر صبح تا شب داریم می‌دویم، یک بحث اقتصادی دارد یکی بحث هم اقلانعی، بعضی مجتهدین می‌گویند کشیدن سیگار حرام است. این مصداقی مشخص است. نمی‌گوید سیگار وینستون مثلاً یا سیگار تولید ایران، می‌گوید همه حرام است؛ می‌خواهد تولید ایران باشد یا خارج. ما الان در این بحث هستیم. اگر بتوانیم به این شکلی که عرض می‌کنم در دایره فقه تحت عنوان مصالح و مفاسد تاسیس روش بکنیم؛ یعنی این

در قالب یک جمع چه تأثیری در جوامع خودشان می‌گذارد؟ چه نکته‌ای می‌توانیم برای آن داشته باشیم و بحث انتقال جاذبه‌های هنری، آن چیزی که ما دنبال آن هستیم شاید نکاتی باشد که من وارد به آن نیستیم. چون مطالعات من در این زمینه خیلی سطحی و ابتدایی است.

ما می‌خواهیم ببینیم مثلاً شرع با یک پدیده مواجه شده. روش استنباط حکم شرعی این است که هر پدیده‌ای اگر مسائلی از مسائل مستحذته نیست احکام آن در فقه وجود دارد و فقهای مختلف به آن پرداخته‌اند. مثلاً شما وقتی بیع مرحوم شیخ انصاری را برمی‌دارید، می‌بینید شیخ انصاری می‌گوید فلان محقق این‌طور تعریف کرده فلانی این‌طوری تعریف کرده بعد جمع‌بندی می‌کند و نظر خودش را می‌گوید.

حالا در چنین مسائلی که ما وارد فضا می‌شویم، آیا روش استنباط ما باز هم برمی‌گردد؟ روش استنباط ما آن روش می‌تواند باشد یا این را تحت یک روش جدید استنباط بیابیم برایش تاسیس روش بکنیم. در مسائل مستحذته مرحوم آقای مطهری در بحث اقتصاد قائل به این است که

مساله با مساله سیگار خیلی فرق می کند. الان یک پدیده‌ای است که همه را درگیر کرده. حالا بحث ما در بازی‌ها هم همین است. این گرفتاری ما نیست. ما به عنوان یک نسخه به این قضیه نگاه می‌کنیم نه این که فقط یک جوان مسلمان را مورد خطاب قرار دهیم. چنان که پیامبران وقتی یک دستوری حرمتی یا واجبی را می‌گفتند خطابشان فقط به بعضی از افراد نیست؛ خطابشان به عموم است. ما الان گرفتار این قضیه هستیم و حوزه اقناعی می‌تواند یک حوزه جهانی باشد. همین نامه‌ای که حضرت آقا برای جوان‌های اروپا نوشت، یک حوزه اقناعی برای تمام آدم‌ها بود نه این که حوزه اقناعی فقط برای جوان‌های ایرانی باشد.

حالا اگر بخواهیم این بحث را در حوزه اقناعی انجام دهیم یعنی ما وقتی می‌خواهیم یک چیزی را تبدیل به حکم شرعی کنیم، بخصوص در مسائل مستحدثه، روش و متد که فقیه فرضاً در مسائل مستحدثه می‌گذارد در یک زمانی در طول یک پروسه‌ای این مساله کارکردش را در جامعه نشان می‌دهد، وقتی به یک جایی رسید که کارکرد آن ثابت و نهادینه شد، آن موقع می‌آید و حکم آن را می‌دهد؛ یعنی هیچ موقع قبل از آن حکم نمی‌دهد. در این جا هم می‌خواهیم مخاطب خودمان را به عوارض این قضیه آگاه کنیم، بعد او را به این سمت هدایت کنیم که این مساله می‌تواند از مسائل مستحدثه فقهی باشد یا حداقل باید بتوانیم در جامعه جا بیندازیم. الان این بحث در جامعه جا نیفتاده که آیا بازی‌ها می‌تواند به عنوان یک مساله شرعی مطرح شود؟

بازی‌ها را برای مجتهدین تبیین نکرده‌ایم

مشکل ما همین جاست. یعنی ما بحث اقناعی را به یک مرحله‌ای نرسانده‌ایم که مجتهد هم قانع شود به این که بیاید در این مساله نظر دهد یا در این مساله فحص کند. یعنی ببیند که آیا این می‌تواند در حوزه فتوا قرار بگیرد یا نه.

آن طور که شما می‌فرمایید بلکه مجتهد فتوا می‌دهد لن يجعل الله للكافرين على المسلمين سبيلا. بلکه بحث تابع آن قاعده می‌شود که کفار نباید بر مسلمانان تسلط داشته باشند.

می‌خواهم بگویم یعنی فرض کنید وقتی مرحوم میرزای شیرازی می‌آید فتوای تحریم تنباکو را می‌دهد، فتوای تحریم تنباکو اقناعی نیست بلکه یک کبرا دارد؛ تحت آن کبری می‌آید فتوایی می‌دهد. حالا بحث ما این جا این است. به نظر شما که الان مطلب خیلی روشن است، آیا واقعا برای سایرین هم روشن است؟ آیا برای فقهای ما روشن است؟

یک موقع ما می‌خواهیم ادله احکام را بیان کنیم که چرا این حکم حلال و آن حکم حرام است به خاطر این که مثلا اثرات منفی جنسی روی فرد می‌گذارد، طرف می‌گوید من این صحنه را می‌بینم تحریک نمی‌شوم، پس برای من حلال است. ما این را نمی‌خواهیم بیان کنیم. این به سمت تشخیص مکلف برمی‌گردد. اگر بخواهیم این کار را بکنیم خیلی چیزها را باید استثناء کنیم. اصلا می‌خواهیم روی اصلش برویم بگوییم دشمن دنبال این است که این را ایجاد کند، ممکن است در مخاطب ما در این سنین اثر نگذارد. بچه پنج‌ساله بحث جنسی برایش معنا ندارد نمی‌فهمد

چیست ولی دشمن دنبال این است که این بچه پنج‌ساله را آماده کند، ذهنیت‌هایی در ذهن او نقش ببندد، وقتی به سن سیزده چهارده رسید آن موقع کم‌کم برایش ارزشمند می‌شود. یک فیلمی است که آموزش دیده، در سن کودکی که اصلا رابطه جنسی برای او مفهوم نداشته آموزش‌هایش را دیده، الان که از لحاظ جنسی در بدنش یک احساسی می‌کند، دیگر آن آموزش را اجرا می‌کند.

این جا فایده‌اش برای فقیه این است که می‌تواند نظر دهد والدین این برای شما حرام است. برای بچه که الان مکلف نیست.

آیا فقیه باید از باب دیگری به این مساله ورود کند؟

بعد هم در همه این‌ها بحث اتلاف وقت را داریم. آیا یک مکلف مجاز است خودش یا برای کسی که تحت نظارت و تکلف او است هرطوری بخواهد وقت را تلف کند ولو با نماز؟ اگر اینطوری هیچ کنترلی در صغریات نداشته باشیم بحث حرجی می‌شود. یعنی دیگر فقیه نمی‌تواند در این موضوع فحص کند؛ در واقع موضوع در اختیارش نیست. فرض کنیم امری خارج از قدرت فقیه است، فقیه نمی‌تواند مثلا یک بازی را پیدا کند و حکمی بر آن صادر نماید؛ چون تا در مورد یک بازی گفت بحرم علیه، بعد دوباره موضوع جدید حادث می‌شود. موضوع جدید هم دوباره باید همین مسیر را طی کند؛ یعنی دائما باید فقیه بدود، آن هم به گونه‌ای که ما قدرت او را نداریم یعنی در واقع همیشه منفعل هستیم. حالا این بحث مهم است که در صغریات حرجی مثلا در شبهه علم اجمالی که اطراف آن خیلی وسیع است آن جا بحث می‌کنند که جای احتیاط نیست. یعنی احتیاج نیست که شما در این مطلب فحص زیاد بکنید. ما می‌توانیم این جا به یک نکته برسیم و یک چیزی مثل مرحوم میرزای شیرازی بیاییم از یک باب دیگر نه از باب خود موضوع بازی‌ها؛ چون موضوع بازی در اختیار ما نیست، از یک باب دیگر بتوانیم کبرایی پیدا کنیم و آن همان چیزی است که فقیه در همان باب دارد فتوا بدهد؛ مثلاً از یک باب دیگر غالی می‌آید فتوایی را از آن بگیریم بگوییم بجزو یا لایحوز. این یک نکته است.

نکته دوم این است که ما می‌توانیم این را حذف کنیم نه حذف فیزیکی؛ آیا واقعا صلاح است از نظر فکری از نظر نیاز رشد و تکامل بیاییم یک هدف مثبت غائی برایش قائل شویم که می‌گوییم این هم مجموعه پیشرفت و توسعه یک انسان مسلمان است و می‌تواند در استخدامش قرار دهد، در نتیجه حالا قائل به بجزو شویم.

آیا این مقوله از وظایف دولت است

با توجه به نتیجه این بحث، حکومت تا الان چه کار کرده؟ ما می‌توانیم برای حکومت طبق یک فضای مجازی که خودمان داریم، مثلا در شبکه‌های اجتماعی صدای خود را به دولت برسانیم که این موضوع را در کمیسیون مورد بحث قرار دهد یا این که نه در بحث اقناعی خود ما در شبکه‌های اجتماعی وارد شویم و بگوییم این بازی‌ها به این شکل هست یا نیست. بحث دوم ما این است که آیا می‌توانیم این مباحث را جزو اهداف هنجارسازی دولت بیاوریم؛ یا این که نه وظیفه دولت نیست و فقط می‌توانیم در بخش اقناعی به آن نگاه کنیم.